

زیبائی کتاب

نه شاعر، نه رسام و نه بیکر ساز هیچیک
نمی‌توانند ساخته را ازسازنده جدا کنند.
این دو بطور جدائی ناپذیری به یکدیگر
پیوسته اند. بائزاک

کتاب ساختمان موزون و منظمی است که می‌توان آنرا با معماری
برابر دانست زیرا تمام عناصر سازنده آن با یکدیگر پیوستگی دارند و
هرجزئی از آن نماینده قسمتی از یک نقشه دقیق کلی و عمومی است. همچنین
می‌توان آنرا بیک قطعه موسیقی علمی که برای هر یک از اسبابها وظیفه
خاصی پیش‌بینی کرده است تشبیه نمود.

بنابراین در نظر اول چنین می‌نماید که برای بنای یک خانه یا نوشتن

یک «سونات» یا ساختن یک کتاب قبل
از هرچیز باید اصول فنی کار را دانست
و به آناری که از زمان قدیم تا کنون
بوجود آمده آشنا بود و از تجربه‌ها
درس گرفت و از حدودی که قواعد
و نظامات فنی رسم نموده‌اند تجاوز
نکرد.

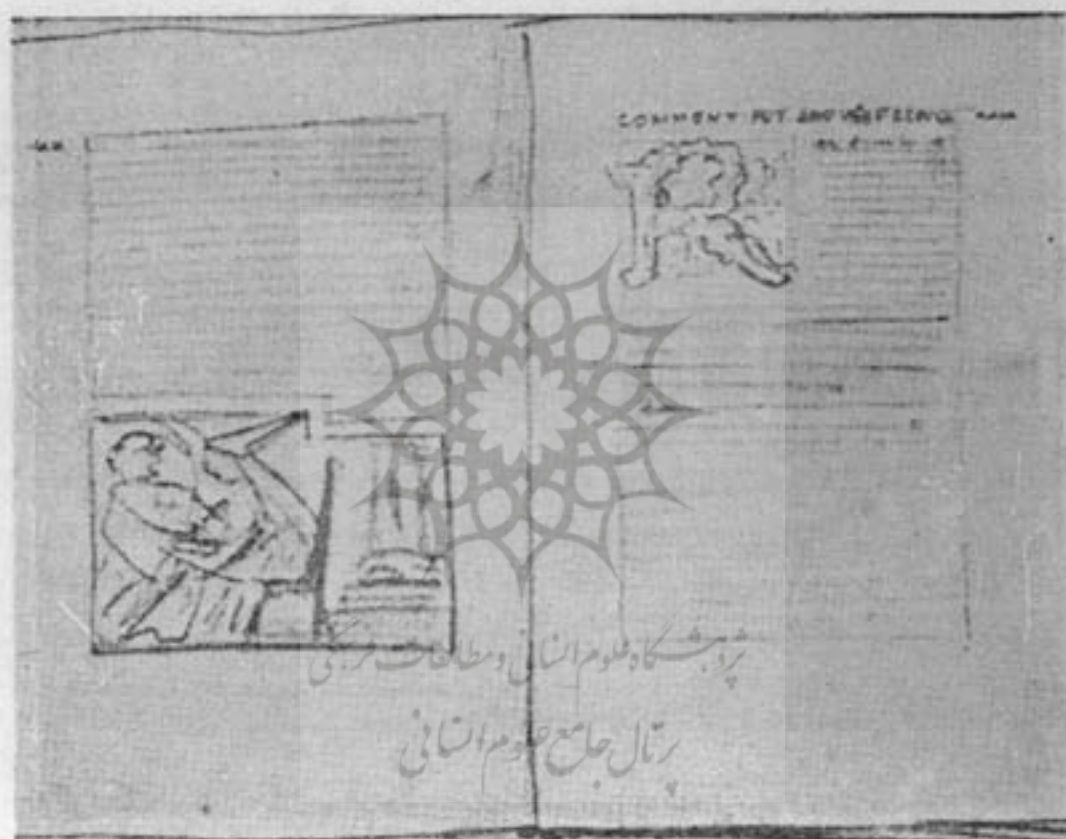


اما کار ساختمان کتاب برخلاف حالت
هنر معماری و موسیقی که قوانین روشن
و منظمی دارند و حتی در اندازه‌ترین
ساخته‌ها با کمال دقت از آن قوانین

پیروی می‌شود تا به تعبیرات گوناگون هنرمندان است. هر کس می‌داند
که صرف نظر از مندرجات کتاب که در اینجا مورد بحث نیست کاغذ خوب،
حروف خوب، تناسب سفیدیها و سیاهیها و تصاویر خوب از عوامل تشکیل
یک کتاب زیباست. با وجود این بعضی آنکه درصدد برآیم این عناصر را
جمع و یکدیگر نزدیک کنیم موانعی بوجود می‌آید و مشکلاتی بروز
می‌کند.

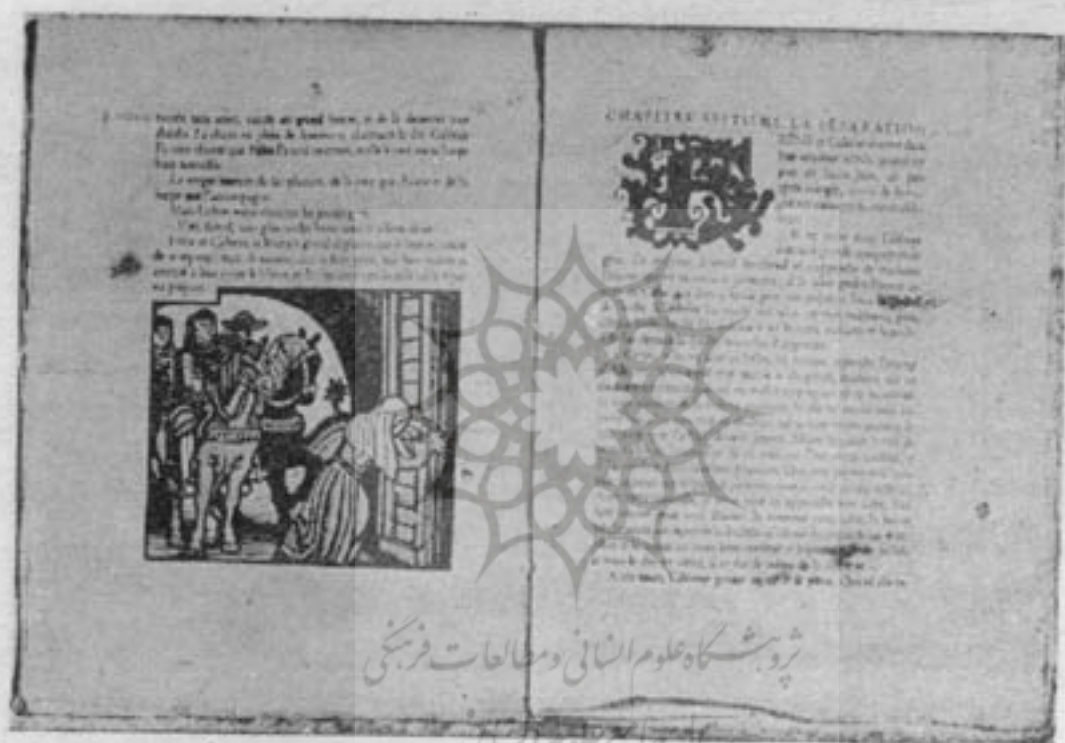
هرچند که قواعد علمی ساختمان کتاب با وجود سنن غلط و کهنه‌ی شمار
بر اساس منظمی استوار گردیده ولی تردیدی نیست که جز در بعضی موارد

استثنائی هنوز تعریف کاملی از اصول زیبایی آن نشده و اکثریت کسانی که در این رشته کار می کنند از آن بی اطلاع می باشند .
کتاب امروز حاصل کنجکاو‌های و تحقیقاتی است که ناشران کتب در نسخه های خطی قدیمی و مجموعه های آغاز پیدایش چاپ و آثار بزرگ دوره های بعدی بعمل آورده اند . و از این که گذشت تنها ذوق و ابتکار شخصی که کم و بیش در بوجود آوردن آثار بدیع هنری امروز مؤثر واقع گردیده است راهنمای ناشران کتب میباشد .



صفتی که امروز از یک کتاب خوب می طلبیم چیست و از یک معمار کتاب چه انتظارات داریم . گفتگو در این باب است . ویلیام موریس هنرمند معروف انگلیسی همه قوانینی را که برای تشخیص کتاب خوب آورده اند کنار زده و چشم را تنها قاضی خوبی و بدی کتاب می شناسد . میگوید همانطور که چشم در سایر آثار هنری از قبیل مجسمه سازی و نقاشی و طراحی قاضی مطلق است کتاب نیز دارای همان خاصیت است البته بشرط آنکه چشم آزموده باشد و در خدمت مغزی متفکر و دانشمند قرار گیرد .

بنا بر این تقریباً غیر ممکن است که بتوان برای اینکار فرمولهائی در نظر گرفت و مثلاً تناسب حاشیه و متن را در قطع های مختلف کتب تعیین نمود و اندازه حروف را بدقت حساب کرد. در اغلب موارد موضوع کتاب ناشر را هدایت میکند و ساختمان کتاب با الهامی که از متن آن گرفته شده آغاز میگردد. ناشر ابتدا متنی را انتخاب می نماید آنگاه برای تفسیر مندرجات آن به نقاش مراجعه میکند. این انتخاب کار ساده ای نیست چه علاوه بر آنکه باید هنرمند حقیقی را از مدعیان هنر تمیز داد هنر مندی را باید انتخاب



کرد که موضوع کتاب با روحیات او موافق باشد و بین او و متن کتاب رابطه معنوی برقرار گردد.

هنرمند از جندی که بسبب شهرتش انتخاب می شود و متنی را در اختیار او قرار می دهند که با وجود اهمیت زیاد در فکر او تأثیر نمی کند تصاویری بوجود می آورد که عمق ندارد و با رنگ عمومی ساختمان کتاب هم آهنگ نیست. بعلاوه هنرمند باید کتاب شناس و از معماری آن با اطلاع باشد تا بتواند قلم خود را با نقش کلی ساختمان کتاب موافق سازد.

آنگاه موضوع انتخاب نوع حروفی که باید بکار برود بمیان می آید. در کشور ما مشکل بزرگی از این حیث وجود دارد چه حروف زبان

فارسی در موقع نوشتن برخلاف حروف لاتین بیکدیگر متصل می‌شوند و این عامل مانع بزرگی در راه تهیه حروف متنوع بوجود می‌آورد. دیگر آنکه حروف ریزی و بخصوص تهیه قالب «ماتریس» تا چند سال قبل در خارج از کشور صورت می‌گرفت و وسایلی نیز که اکنون برای تهیه قالب حروف و حروف ریزی در داخله تهیه شده فوق العاده ابتدائی و حاصل آن از جنبه های زیبایی بکلی عاری است. مشکل تهیه حروف فارسی بقدری مهم است که تاکنون باوجود کوششهای زیادی که چه در اروپا و چه در هندوستان برای حروف نستعلیق بکاررفته و نمونه هائی از آن نیز ساخته شده استفاده عملی از آن میسر نگردیده است و تازه اگر روزی این مشکل حل شود پیش از یکنوع حروف با انواع محدود فعلی اضافه نخواهد شد. کافی است یادآوری نمائیم که يك علت مهم تغییر رسم الخط در ترکیه و اقدامات متعددی که از طرف بعضی از دانشمندان کشور خودمان بهمین منظور بعمل آمده برای برداشتن زنجیر این محدودیت بوده است.

بنابراین کتبی که باخط لاتینی چاپ میشود باوجود هزاران نوع حروف مختلف که پیوسته نیز افزایش می‌یابد از این مشکل برکنار است. ولی در اینجا کار انتخاب حروف بهرآنچه مشکل تر از فقدان انواع آنست چه لاقبل انتخاب حروف فارسی هنر نمیخواهد.

حروفی که در یک کتاب علمی بکار می‌رود غیر از رمان است. اگر متن کتاب قدیمی است یکنوع و اگر جدید است نوعی دیگر حروف در آن بکار می‌برند. برای دیوان شعر یکنوع حروف و برای کتب مذهبی نوع دیگر انتخاب میشود. اصل کلی برای انتخاب حروف اینست که باموضوع کتاب سازگار باشد.

این اصل تاجائی پیش می‌رود که حتی در چاپ آثار شعری مختلف و به تبعیت از سبک کار آنها نفوذ می‌کند، در انتخاب نوع حروف نیز باوجود اینکه مخترعین نام خود را به شیوه‌های مختلفی که اختراع کرده اند داده‌اند اصطلاحات کلاسیک و رمانتیک و غیره برای نمایاندن طبقات مختلف حروف زیاد دیده میشود.

اگر کتاب مصور است باید حروف آن با توده تصاویر هم‌آهنگ باشد. گاهی یکنوع تناسب بین این دو امر دیده میشود که کاشف از نکته سنجی و دقت هنرمندان می‌باشد و نشان می‌دهد که اینان چگونه راه حل‌های پیبوده شده را رها ساخته و باچه استادی قابل تحسینی دوترکیب مخالف را بهم

نزدیک و در کنار یکدیگر بکار برده اند.

حروفچینی و صفحه بندی روی جلد «پوشش کتاب» و صفحه درونی «عنوان» و پس از آن سرفصلها و تقسیمات کتاب، سرسطرها و فیله‌ها و محل تصاویر بقدری دقیق است که جز باتهیبه «ماکت» اجرای آن عملی نخواهد بود. هنرمندی که باینکار می‌پردازد در هر قدم بشکل تازه بر می‌خورد. ادراک «کتاب دوست» در برابر کتابی که بدست او می‌رسد از راه احساس است نه تجزیه. صفحه ای او را بخود جلب می‌کند و یک صفحه دیگر او را از خود می‌راند و او نمی‌تواند علت آنرا تفسیر کند. هنر مند طرح ساز بخوبی می‌داند که تعادل سفیدپها و سیاهپها در چگونگی این ادراک اثر میکند. حجم حروف، عرض سطرها، فاصله بین خطوط، اندازه حاشیه‌ها، این تعادل را برقرار می‌سازند. موفقیت هنگامی کامل است که عقربه «تعادل» روی صفر بایستد خواه متنی که انتخاب شده «قدیمی» باشد خواه «نو». موضوع انتخاب کاغذ نیز پیادگی صورت نمی‌گیرد و کار همه کس نیست. کاغذ از حیث ساختمان و نوع و چگونگی چاپ در روی آن مورد تجزیه و دقت واقع می‌شود. ناشر و چاپ‌کننده در درجه اول باید بداند که ساختمان کاغذ از چه مواردی ترکیب شده، خمیر آن «مکانیکی» یا «شیمیایی» است و جنس آن از چوب یا پارچه یا مواد دیگر است. البته کارخانه‌سازنده کاغذ بایستی باتمیز مشخصات محصول خود خریدار را راهنمایی کند. ولی تشخیص تأثیر چاپهای مختلف در روی آن با چاپ‌کننده است. مثلاً برای جلد کتاب معمولاً کارتن یا با اصطلاح مقوای شمیزی بکار می‌برند ولی باید بین مقوای شمیزی که برای جلد کتاب انتخاب میشود و مقوای های کارت و بیزیت و دعوت و جعبه سای و پوشه که در کارهای اداری بمصرف می‌رسد فرق گذاشت. نوع کاغذ چاپ را نیز بچند دسته تقسیم میکنند که مهمترین آنها عبارتند از کاغذ روزنامه، کاغذ اعلانات، کاغذ چاپ و تحریر، کاغذ کتاب و مجله، کاغذ های سهام و اوراق بهادار و غیره.

کاغذی که در کشور ما برای چاپ کتاب بکار می‌رود از نوع کاغذ تحریر است که اصولاً برای چاپ کتب ساخته نمی‌شود. اختلاف بارزی که از حیث کاغذ بین کتابهای چاپ کشور ما و کتب خارجی دیده می‌شود از همین جا است. کاغذهای کتاب و مجله از جهت رنگ و ضخامت و استحکام آن چنان متنوع است که بحساب نمی‌آید. چاپ‌کننده باید اولاً کاغذی را انتخاب کند که بایکی از چاپ‌های سه‌گانه «پتوگرافی» یا «افست» یا «هلیو»

گراور) که مورد نظر اوست سازش داشته باشد. ثانیاً از حیث رنگ و ضخامت و استحکام برای کتابی که باید چاپ شود مناسب باشد. کاغذی برای چاپ یتیوگرافی بکار می‌رود نباید مرکب را بخود جذب کند. کاغذی که برای چاپ افست انتخاب میشود باید رطوبت پلاک افست را تحمل کند و کاغذ هلیوگراور باید دارای چنان استحکامی باشد که فشار زیاد غلطکها ایلیاف آنرا باز نکند. از هیئت رنگ و ضخامت باید کاغذی انتخاب شود که بدرد کتاب لغت یا رمان یا کتب علمی، کم حجم یا پر حجم، مصور و یا بدون تصویر بخورد.

آخرین مرحله صحافی کتاب است.

ثانیاً اول قرن نوزدهم صحافی بادست انجام میشد و نمونه های زیبای آن که در کشور خودمان ساخته شده معرف ذوق و استعداد خاص ایرانیها است. صحافی امروز نیز با وجود آنکه ماشینیسیم در تمام مراحل آن نفوذ کرده از خدمت دست بی نیاز نیست و خوشبختانه پیوند هنری خود را با گذشته حفظ کرده است.

شرح زیبایی های صحافی دستی و ماشینی و مقامی که کشور ما از این حیث داراست احتیاج به گفتار جداگانه دارد که امید است در بحث های آینده فرصتی برای توضیح آن بدست آید.

اسمعیل اسعدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی